

■ **ستاره اکشن، مدل دهه ۱۹۹۰**

امروز در این نکته هیچ تردیدی وجود ندارد که تمرین کردن متون شکسپیر و آن نمایش خاص (هملت) کمک بزرگی به ریوز در راه تبدیل شدن وی به هنرمندی قوی‌تر تلقی می‌شد. او در آن زمان ۲۹ سال سن داشت و بازی در «لبه رودخانه» ردرس ال ۱۹۸۷ و سپس دوگانه «ماجرای عالی بیل وتد» در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ و آن‌گاه بازی در «بودای کوچک» کار فلسفی سال ۱۹۹۳ برناردو برتولوچی و امثال آن، او را در مسیر کسب شهرت و مطرح شدن هرچه بیشتر در هالیوود قرار داده بود. او نمی‌خواست با فیلم «سرعت» لزوماً تبدیل به ستاره جدید فیلم‌های اکشن شود اما دی بونت او را ستاره مدل دهه ۱۹۹۰ این‌گونه فیلم‌ها توصیف کرده است. مردی که اصلاً عضلاتش به‌اندازه ستاره‌های دهه ۱۹۸۰ مثل سیلوستر استالونه و آرنولد شوارتزنگر و همچنین استیون سیگال در هم پیچیده و قطور نیست اما عقل و هوش بیشترش را برای جبران این مسأله و حل معضلات اجتماعی به‌کار گرفته است. اتفاقات بعدی هم تأییدی بر شناسایی شدن ریوز به‌عنوان ستاره تازه فیلم‌های اکشن به‌شمار می‌آمد و یکی از آنها عرضه فیلم «Chain Reaction» در سال ۱۹۹۶ بود. این فیلم درس‌های زیادی به او داد و بویژه در مورد آنچه از وی می‌خواهند و فاصله زیادی که بین حرف‌ها و اقدامات سران استودیوها و کارگردانان وجود دارد. به گفته ریوز بین سناریویی که از فیلم «عکس‌العمل زنچیره‌ای» به‌دست وی دادند و او آن را پسندید و موجب حضورش در فیلم شد و آنچه در نهایت به روی پرده رفت، تفاوت زیادی به چشم می‌خورد. بر این مبنای وقتی مدیران کمپانی فاکس در همان سال (۱۹۹۶) با ریوز تماس گرفتند و خواستار بازی او در قسمت دوم «سرعت» شدند، وی جواب رد داد. بقیه ماجرا را از زبان خود ریوز می‌شویم: «آنها حتی دی بانت و بولاک را هم واسطه کردند و نزد من فرستادند اما جواب من تغییر نکرد. گفتم اسم فیلم «سرعت۲» است اما اتفاقات در یک کشتی روی دریا می‌گذرد. این چگونه سرعتی است؟! سپس «ویلیم مکانیک» رئیس آن زمان فاکس شخصاً نزد من آمد و ۱۲میلیون دلار را که برای آن زمان رقم بالایی بود پیشنهاد داد، اما باز هم جواب من منفی بود. به او گفتم اگر در این فیلم بازی کنم به ته اقیانوس خواهم رفت و دیگر سر بر نخواهم آورد.»

■ **تجریه ۱۰ساله**

ریوز در آن تاریخ پیشنهاد بازی در «مخمصه» فیلم پلیسی- گانگستری کلاسیک شده مایکل مان را نیز رد کرد و به نقش کریس شیهر لیس یکی از گانگسترها که در نهایت به ول کیلمر رسید، نه گفت. او به جبران آن به ونی پگ کانادا رفت و در مرکز هنرهای نمایشی مانسی نوبا به‌مدت یک فصل تئاتر بازی کرد و نقشی که او در آن ظاهر شد، طبعاً هملت بود. به این خاطر کمپانی فاکس به‌مدت ۱۰ سال ریوز را تحریم کرد و هیچ‌کار دیگری را به وی نسیپرد و فقط برای بازسازی فیلم «روزی که جهان ایستاد» که کار بدی هم از آب درآمد و در سال ۲۰۰۸اگران شد، به سراغ وی رفت. یا این اوصاف آیا ریوز در صورت بازگشت به سال ۱۹۹۶ دوباره همان تصمیم را می‌گیرد و به قسمت دوم «سرعت» نه خواهد گفت؟ ریوز که ۵۷ ساله شده است، در پاسخ می‌گوید: «قطعاً، این یک قصه جالب هالیوودی است و پاسخ نه من یا برجاست. این که فاکس ۱۰ سال مرا بایکوت کرد، چیزی از ارزش‌ها و توانایی‌های من نکاست و زندگی هنری من را تغییر اساسی نداد.»

■ **بازگشت قاتل زرخرید**

البته رکودها و توقف‌هایی در زندگی ریوز روی داد و همین‌طور نزول‌هایی و بعد از سه گانه به غایت موفق «متریکس» (در سال ۱۹۹۹ و سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) او مدتی را با فیلم‌هایی معمولی و نه چندان پرفروش سپری کرد. تا این که با پنجاه و هفتمین فیلم بلندش به‌نام «جان‌ویک» به یک نقطه اوج تازه رسید. «جان ویک» که در سال ۲۰۱۴اگران شد و فروش هفتگنی داشت و قسمت‌های دوم و سوم آن نیز در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹درآمدهای بالایی را موجب شد، داستان یک قاتل زرخرید سابق است که مدتی است بازنشستگی اختیار کرده ولی پس از این که مشت‌ی خلافکار سگ وی را می‌کشد، در مقام لایف برمی‌آید و آنها را به هلاکت می‌رساند!

■ **از نیسون تا ریوز**

در نگاه نخست به‌نظر می‌رسد که این موضوعی مناسب برای فیلم‌های اکشن لیام

◀ | **وصال روحانی** | ▶
خبرنگار

در سال ۱۹۹۳که فیلم پرهیجان و اکشن «سرعت» ساخته می‌شد، کیانو ریوز هنرپیشه مرد نقش اول فیلم در عین بازی کردن در این فیلم که یک سال بعد از آن با توفیق تجاری بزرگی ارکان شد، دامنایمتن «هملت» نمایش معروف شکسپیر را هم می‌خواند و خطوط آن را به ذهن می‌سپرد زیرا قرار بود بلافاصله بعداز اتمام تهیه «Speed» وارد پروسه تولید نسخه تازه‌ای از هملت شود و نقش مورد نظر برای خود را بخواند و آن را ملکه ذهنش کند. امکان ندارد دو اثر هنری را با این همه تفاوت کنار یکدیگر تصور کنید. «سرعت» با کارگردانی جان دی‌بونت قصه اتوبوسی است که چون بمب کار گذاشته شده در آن با کم شدن سرعت



این فیلم «سرعت» بود که کیانو ریوز را به شهرت رساند

نیسون باشد که از موفق‌ترین هنرپیشه‌های آثار اکشن طی ۱۳ سال اخیر بوده و بواقع نیز «جان ویک» با بودجه فیلم‌های «B» (درجه دوم) ساخته شد. هرچه بود «جان‌ویک» تبدیل به یکی از بهترین و پرفروش‌ترین فیلم‌های کیانو ریوز طی ۱۵ سال اخیر شد و خود وی نیز می‌داند این فیلم که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد این‌طور پول‌سازی کند، او را احیا کرده و دو قسمت بعدی آن نیز ظرفیت‌های بالای این پروژه و محبوبیت وی را به اثبات رسانده است، البته هیچ‌کس توقع نداشت که نیسون نیز با فیلم «بروده شده یک» در سال ۲۰۰۹ که به ساخت دو قسمت بعدی هم کشیده شد، به ستاره‌ای در فیلم‌های اکشن تبدیل شود که می‌بینیم یا از اسکارلت یوهانسون با فیلم «لوسی» در سال ۲۰۱۴ و فیلم‌های «اونچرز» در سال‌های قبلی و بعدی ستاره اکشن تازه‌ای ساخته شود که می‌شناسیم.

■ **آرنولد یا فرد استر؟**

اصولاً برای کیانو ریوز بسیاری از دستاوردها

غیر منتظره بوده است. او صاحب رگ و ریشه‌های چینی، هاوایی و انگلیسی و متولد شهر

■ یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۶۴۸۹



کیانو ریوز (چپ) و پاران‌ش با قسمت چهارم «متریکس» به سرزمین واژگونی‌ها باز می‌گردند

■ **تماشای کارهای رزمی در تورونتو**

ریوز در حال حاضر مایل نیست راجع به آن اتفاقات حرف بزند و به محض این که سؤالاتی در این خصوص مطرح می‌شود، ترجیح می‌دهد راجع به فیلم‌هایی که در آن سال‌ها دید، صحبت کند.او که دوران خردسالی و نوجوانی‌اش را در تورونتوی کانادا جایی که مادرش کار و کسب درآمد می‌کرد، گذراند، می‌گوید: «در تورونتو یک کانال تلویزیونی بود که بعدازظهر هر روز یکشنبه فیلم‌های سینمایی رزمی پخش می‌کرد و من مجذوب توانایی و آمادگی جسمانی بازیگران آن فیلم‌ها شدم. شاید گفته شود که برخی از آن حرکات نمادین و ظاهرسازی بوده است اما نوعی جادو در آنها وجود داشت. پرواز کاراکترها در هوا، ایده‌آل‌های آنها و البته حس درست و غلط شان و راه‌های مثبت و منفی‌ای که طی می‌کردند، مرا به سوی خود می‌کشید. حال و هوای قهرمانانه شماری از این کاراکترها و سرسختی و خشونت‌شان مرا سحر می‌کرد.»

■ **ماه‌اترین ورزشی**

سال‌ها بعد همان اشتیاق و علاقه و البته الزام‌های کاری وی را متقاعد کرد که برای ایفای نقش‌اش در تریلوژی «متریکس» ماه‌ها تمرین ورزشی کند و به مرور فنون رزمی بپردازد و حتی برای «جان ویک» نیز سه ماه تمرینات بدنی در دستور کار او قرار گرفت. استاهلسکی ولیچ می‌دانستند که ریوز از عهده نقش و وظایفش در تریلوژی «جان ویک» بر می‌آید زیرا خود آنها سال‌ها پیش به‌وی آموزش‌های رزمی لازم را برای فیلم‌های «متریکس» داده بودند، اما آیا عبور وی از سن ۵۰ و سپس ۵۵ سال باعث استفاده از «بدل» به‌جای ریوز در صحنه‌های دشوار اکشن نمی‌شود؟ «نه، نمی‌شود. تا وقتی در فیلم‌ها هستم، خودم نیز اکثر صحنه‌های اکشن را بازی می‌کنم و نه افراد دیگر. باید در بطن و دل یک فیلم و در قلب و روح آن واقعاً فعال و حاضر‌بود و همه چیزهای سخت را حس کرد و نه این که از بدل‌ها به طور وسیع استفاده کرد.»

■ **از یادگارهای آیدهاوتا «متریکس۴»**

۲۹ سال بعد از ارکان «آیداهوی خصوصی من»، این کالت کلاسیک گاس وان سانت همچنان از مقابل چشم‌های ریوز رژه می‌رود. ریوز در این فیلم پسر شهردار پورتلند در ایالت اوره‌گون امریکا است و ریوز فی‌نیکس فقید، پسر جوانی که زندگی سختی را در خیابان‌های همین شهر تجربه کرده است تا به درجه کنونی‌اش برسد و مرتبت فعلی او در قیاس باکاراکتر ریوز پولدار، نزدیک به صفر است. هر دوی این بازیگران با کسب اجازه از وان سانت در برخی دیالوگ‌های خود دست برندرد و این کاری است که بعداز آن هرگز از ریوز دیده نشده است. در دل تابستان گرم ۲۰۲۱ او می‌گوید: «هر زمانی ویژگی‌های خود را دارد. الان ترجیح می‌دهم آرام‌تر باشم، البته اگر جان ویک بگذارد! گاهی آرامش هم خوب است، بخصوص بعد از تندی‌های افراطی و درگیری‌های شدید فیلم‌هایی مثل جان‌ویک. به‌نفع‌تان است که سرعت‌تان را هر از چندگاه کاهش بدهید.»

کیانو ریوز البته به این دستورالعمل نیز برای مدت طولانی عمل نکرده و با حضور در قسمت چهارم «متریکس» که بیش از یک سال است آماده پخش شده و رواج بیماری کرونا اگران آن را از بهار ۲۰۲۰ به اواخر تابستان ۲۰۲۱موکول کرده، یک بار دیگر به صحنه فیلم‌های پر برخورد و جابه‌جایی‌گر به تیز اکشن و مدرن گرایی‌های مختص متریکس رجعت کرده و باز در کنار «کری آن ماس» خالق هیجان و برخورد‌ها و حرکت روی دیوارهای واژگون شده‌ای خواهد بود که ابتدا ۲۲ سال پیش ریوز را به درجاتی چشمگیر از شهرت و محبوبیت رساند. برای ریوز و امثال او استراحت و آرامش فقط پدیده‌هایی موقتی و گذرا هستند.

■ منبع: Observer

اتوبوس منفجر می‌شود، باید با سرعت بتازد و دائماً در حرکت باشد و کیانوریوز در آن جک تراون یک مأمور امنیتی است که می‌کوشد با همراهی کاراکتر ساندرا بولاک راهی برای متوقف کردن اتوبوس بدون منفجر شدن آن بیابد. در مورد نمایش هملت نیز احتیاجی به گفتن هیچ چیز نیست. به‌این ترتیب مأموریت دوگانه ریوز و کار همزمان روی دو پروژه فوق، بخشی از سال ۱۹۹۳وی را اشغال کرد. آیا هملت و خواندن و تمرین کردن متن دشوار آن می‌توانست کمکی برای ریوز جهت اجرای بهتر نقش‌اش در فیلم سرعت باشد؟ او ۳۰ سال بعداز آن تاریخ در تابستان ۲۰۲۱ با ابهام در این خصوص می‌گوید: «نمی‌دانم، شاید هم کمکی نبود اما در این که در آن تاریخ کارهای صبح‌ام با سایر کارهایم فرقی ۱۸۰درجه‌ای داشت، کوچک‌ترین تردیدی نبود.»



کاراکتر «جان‌ویک» در مخابره

صحنه‌ها ظاهر شده بود و در سال‌های بعد از آن کارش به تدوین صحنه‌های اکشن و رزمی فیلم‌های حادثه‌ای و چیزهایی از این دست کشید. این ریوز بود که پس از دریافت و خواندن سناریوی «جان‌ویک» آن را برای استاهلسکی ولیچ فرستاد و آنها نیز موضوع را خوب طراحی کردند و به اجرا درآوردند.

ریوز می‌گوید آنچه او را به سوی این سه گانه بسیار پرسود کشانده، غم درونی این‌مرد یعنی کاراکتر اول با بازی وی و اندوهی است که او بابت بخش سپیری شده زندگی‌اش احساس می‌کند. در ابتدای فیلم نخست مرگ همسر جان ویک را بر اثر یک بیماری سخت مشاهده می‌کنیم و فردای آن روز هدیه واپسین همسر ویک به وی، مقابل در خانه او سبزی می‌شود و آن هدیه یک سگ پشمالوی جالب است! همسرش در نامه آخر خود به او گوشزد کرده که این سگ را یادگار و هدیه آخر او بداند ولی فقط چند روز بعداز این واقعه تاواریک گانگستر جوان روسی (الفی‌ان) ماشین فورد موستانگ او را که مدل ۱۹۶۹

“

تا وقتی در فیلم‌ها حاضریم، صحنه‌های اکشن را نیز خودم بازی می‌کنم زیرا باید در قلب و روح فیلم‌ها حضور داشته باشم و همه چیزهای سخت را حس کنم

گاهی بعداز فیلم‌های پر از برخورد و اکشن، بهتر است آرامش پیشه کنید و سرعت‌تان را کاهش بدهید